

خبر

بقایي خطاب به کانادا: بدون حقيقت، آشتي ای در کار نیست

سخنگوی وزارت امور خارجه در پیامی در شبکه ایکس به مناسبت روز ۳۰ سپتامبر بر ضرورت پاسخ‌گویی دولت کانادا درباره سرنوشته کودکان بومی و گورهای بی‌نام‌ونشان تأکید کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در پیامی در شبکه ایکس به مناسبت روز ۳۰ سپتامبر (روز ملی حقیقت و آشتی در کانادا) که یادآور کشف صدها گور بی‌نام‌ونشان کودکان بومی شاغل به تحصیل در نظام آموزشی موسوم به مدارس شبانه‌روزی است، نوشت: «سرنوشت تلخ کودکان بومی کانادا همچنان وجدان جهان را آزار می‌دهد؛ کودگانی که به زور از خانواده‌هایشان جدا شدند، نام، زبان و هویشان از آنان گرفته شد و در نظامی برای همدان‌سازی اجباری قرار داده شدند؛ نظامی که در آن بسیاری از آنها بی‌رحمانه مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و بسیاری از آنها نیز دور از خانه جان دادند و در گورهای بی‌نام‌ونشان دفن شدند. ۳۰ سپتامبر، به عنوان «روز ملی حقیقت و آشتی» در کانادا نام‌گذاری شده است، ظاهرا با هدف احترام به بازماندگان مدارس شبانه‌روزی بومیان و خانواده‌هایشان و یادبود صدها دانش‌آموز بومی بی‌گناهی که هرگز به خانه بازنگشتند. با این حال، آشتی را نمی‌توان در حد یک روز بزرگداشت با تعارفات سیاسی فرو کاهید. وقتی هنوز به پرسش‌های جدی دربارهٔ مدارس شبانه‌روزی پاسخ داده نشده و عملکرد و ماهیت این مدارس در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است، امر «آشتی» ناقص خواهد ماند. درد و رنج کودکان بومی موضوعی برای جنگ فرهنگی نیست، بلکه مسئله‌ای است که به حقیقت و پاسخ‌گویی مربوط می‌شود. پاسخ به پرسش‌های مربوط به گورهای بی‌نام‌ونشان کودکان بومی، نیازمند ارائه شواهد، شفافیت و مسئولیت‌پذیری است. نه انکار، تحریف یا سکوت. بدون بیان حقیقت، آشتی ممکن نخواهد بود؛ و بدون پاسخ‌گویی، عدالت محقق نخواهد شد.»

سياه در بيانيه‌ای به مناسبت دومين سالگرد عمليات وعده صادق ۲: دوران تهديد بي‌هزينه به پايان رسيده است

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای به مناسبت دومین سالگرد عملیات وعده صادق ۲، تأکید کرد: «وعده صادق ۲؛ پیامی روشن به دشمنان ملت رشید و عظیم‌الشان ایران به‌ویژه رژیم پلید و گرگ‌صفت صهیونیستی بود که «دوران تهدید بی‌هزینه به پایان رسیده است و هر تعرضی، پاسخی پشیمان‌کننده و دردناک در پی خواهد داشت.» به گزارش ایسنا، متن بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت دومین سالگرد عملیات وعده صادق ۲ به شرح زیر است:
بسم‌الله الرحمن الرحیم، دهم مهرماه، یادآور حماسه تاریخی و ماندگار «عملیات وعده صادق ۲» و جمله تاریخی و غرورانگیز نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۳ است؛ عملیاتی که طی آن، ایران مقتدر در پاسخ به شهادت فرماندهان و رهبران جبهه مقاومت، شهید اسماعیل هنیه، شهید سیدحسن نصرالله و شهید سرلشکر پاسدار عباس نلیفروشان، قلب اراضی اشغالی را با امواج آتش موشک‌ها و پهپادهای نقطه‌زن در هم کوبید و فروریختن حقرات‌بار هیمنه پوشالی رژیم صهیونیستی را در معرض رگ جد جانپان قرار داد. «وعده صادق ۲» نه تنها مجازاتی سخت برای اعرض به تجاوزات و جنایات دشمن در سکوت مرگبار مجامع جهانی، بلکه پیامی روشن به دشمنان ملت رشید و عظیم‌الشان ایران به‌ویژه رژیم پلید و گرگ‌صفت صهیونیستی بود که «دوران تهدید بی‌هزینه به پایان رسیده است و هر تعرضی، پاسخی پشیمان‌کننده و دردناک در پی خواهد داشت». این عملیات راهبردی با هدایت و تدبیر سپهبد پاسدار شهید محمد باقری «نماد عقلانیت و طراح موازنه بازدارندگی»، فرماندهی شجاعانه و الهام‌بخش سپهبد پاسدار شهید حمزه سلامی «ملمدار میدان و پرچمدار اقتدار انقلاب و فکتمان مقاومت» و «نیوخ فنی و اقتدار ته‌اجمی» سردار سرفراز سرلشکر پاسدار شهید امیرعلی حاجی‌زاده و «درایت عملیاتی و روحیه جهادی» سردار رشید سرلشکر پاسدار شهید محمود باقری، قدرت موشکی ایران را با شگفتی‌هایش به رخ دشمن صهیونی و حامیان آن به‌ویژه حاکمان تبهکار کاخ سفید کشید. با گرامیداشت یاد، نام و حماسه‌افزینی‌های شهیدان جبهه مقاومت و اقتدار ایران اسلامی، به‌ویژه امام شهید امت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (علی‌الله مقامه الشریف)، تأکید می‌شود اقتدار شگفت‌انگیز سپاه مردمی و انقلابی در جنگ تحمیلی دوم و سوم آمریکایی-صهیونی، در کنار سایر نیروهای مسلح، آمریکا نیز دشمن اهریمنی را به التماس آتش‌بس وادار کرد و کلام جاودانه و تاریخی خمینی عزیز(ره) مبنی بر اینکه «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود» را در میدان نبرد به‌صورت عینی تفسیر کرد و امروز این نهاد خادم ملت و حافظ مملکت، به رکن قدرت جمهوری اسلامی در نگاه دوستان و دشمنان تبدیل شده است. در پایان به ملت شریف، فرمان و تاریخ‌ساز ایران و ملت‌های یارپیش‌بخش جبهه مقاومت در منطقه اطمینان می‌دهیم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در سایه تمسک به میراث فکری و عملی امامین کبیر و شهید انقلاب و تبعیت از رهنمودهای حکیمانه رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در بلندای صلابت و قاطعیت و اشراف اطلاعاتی بر دارایی‌ها و مناطق آلوده به حضور دشمن آمریکایی-صهیونی، دست بر ماشه، آماده پاسخ‌گویی قاطع، فوری، درآآور، پشیمان‌کننده و مرگبارتر از عملیات وعده صادق ۲ به هرگونه تهدید، تجاوز، تعرض یا خطای محاسباتی احتمالی اردوگاه شیطان بزرگ و پیاده‌نظام‌های حقیر منطقه‌ای آنان است.

آگهی شناسایی و ارزیابی کیفی سرمایه‌گذار در حوزه معدن

یک شرکت در نظر دارد نسبت به شناسایی و ارزیابی کیفی سرمایه‌گذاران ذیصلاح در حوزه اکتشاف، استخراج و فرآوری در یکی از معادن خود در استان خراسان جنوبی با مشخصات ذیل اقدام نماید.

۱ – موضوع مزایده : تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، اکتشاف، استخراج و فرآوری عناصر همراه در محدوده شمال چاه سرب استان خراسان جنوبی ؛

۲ – زمان دریافت اسناد ارزیابی کیفی: از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۵:۰۰

روز کاری ۱۴۰۵/۰۷/۱۱ لغایت ۱۴۰۵/۰۷/۱۵؛

۳ – مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد ارزیابی : معرفی‌نامه با سربرگ شرکت؛

۴ – آدرس دریافت اسناد : تهران، اتوبان حکیم (غرب به شرق)، بلوار آزادگان، انتهای خیابان ۲۴ غربی، مجتمع فرهنگی ورزشی آفتاب، طبقه ۳ پارکینگ طبقاتی، تلفن:۰۲۱-۸۶۵۵۰۱۴۵۰

امور فنی:(داخلی ۳۲۵)؛ امور قراردادی:(داخلی ۴۳۵)؛

۵ – آخرین مهلت تکمیل و عودت اسناد ارزیابی کیفی : ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۷/۲۹؛

م الف ۲۱۳۳ شناسه آگهی ۰۸۹-۲۲۸۸

www.sharghdaily.com

اد میلیند، وزیر خارجه انگلیس، اقدامات شهرک‌نشینان علیه فلسطینیان را «پاک‌سازی قومی» توصیف و دولت لندن نیز محدودیت‌هایی علیه تجارت با شهرک‌های اسرائیلی اعمال کرده است. اکنون، هم‌زمانی این تحولات با حادثهٔ پرواز فلای دبی و ادعاهای مطرح‌شده دربارهٔ ایران، دامنه گمانه‌زنی‌ها را افزایش داده است؛ اما تا این لحظه، ارتباط ایران با حادثهٔ فریفرود در حد ادعای مقام‌های بریتانیایی، آمریکایی و اسرائیلی است و تحقیقات رسمی هنوز باید دربارهٔ آن تعیین‌تکلیف کند. آنچه قطعی است، وقوع یک حادثه امنیتی در نزدیکی پایگاهی بی‌اهمیت نظامی برای آمریکا، بازداشت اولیه پنج نفر، نبود مواد منفجره در خودروها، ادامه تحقیقات و شکل‌گیری یک مناقشه دیپلماتیک تازه میان تهران و لندن است.

۵ گزینه پریسک ترامپ؛ پس از انتخابات میان دوره‌ای چه بر سر جنگ ایران می‌آید؟

هم‌زمان با افزایش نشانه‌ها و گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال تشدید تقابل نظامی میان واشینگتن و تهران، فارن پالیسی در تحلیلی مفصل، مجموعه‌ای از سناریوهای احتمالی پیش‌روی دونالد ترامپ پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا را بررسی کرده؛ سناریوهایی که از تشدید حملات و فشار اقتصادی تا بازگشت به مسیر مذاکره و توافق را دربرمی‌گیرد. کول باسی، تحلیلگر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و نیت سوانسون، مدیر پروژه راهبرد ایران در شورای آتلانتیک، در این مقاله استدلال می‌کنند پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، ممکن است دونالد ترامپ در قبال ایران میان تشدید درگیری و تلاش برای خروج از بحران از طریق توافق یکی را انتخاب کند. نویسندگان تأکید دارند هیچ‌یک از گزینه‌های نظامی یا اقتصادی موجود، راهی روشن و کم‌هزینه برای دستیابی به اهداف آمریکا فراهم نمی‌کند. به نوشته مقاله، تاکنون افزایش احتمالی قیمت انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده ترامپ از تشدید جنگ بوده است. نویسندگان معتقدند ترامپ در مقطعی به دلیل نگرانی از پیامدهای اقتصادی درگیری، به دیپلماسی روی آورد؛ اما پس از فروپاشی تقاهم ایجادشده میان تهران و واشینگتن، دوباره فشار اقتصادی را افزایش داد و از تشدید نظامی‌گسترده پرهیز کرد. از دید نویسندگان، آمریکا و ایران اکنون درگیر نوعی «نبرد اراده‌ها» هستند و هر دو طرف از حمله مستقیم به زیرساخت‌های حیاتی انرژی پرهیز کرده‌اند، زیرا معتقدند گذشت زمان ممکن است به نفعشان باشد. مقاله احتمال می‌دهد ترامپ تصور کند ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای موضع نرم‌تری اتخاذ خواهد کرد، اما هشدار می‌دهد این برداشت ممکن است بیشتر منعکس‌کننده محاسبات و ذهنیت خود ترامپ باشد تا ارزیابی دقیقی از رفتار تهران. فشار جریان‌های جنگ‌طلب در آمریکا و اسرائیل، نگرانی درباره توان تسلیحاتی و مهمات، و خواست برخی شرکای منطقه‌ای برای پایان‌دادن به تهدید ایران نیز می‌تواند بر تصمیم او اثر بگذارد. نویسندگان سپس چند سناریو را بررسی می‌کنند. نخست، حملات شدیدتر هوایی و موشکی علیه تأسیسات نظامی، موشکی و انرژی ایران است. چنین حملاتی می‌تواند خسارت بیشتری به ایران وارد کند و توانایی آن برای تهدید تنگه هرمز را کاهش دهد، اما معلوم نیست بتواند رفتار تهران را تغییر دهد. در مقابل، ایران ممکن است حملات هوایی چوانه علیه کشورهای خلیج فارس را تشدید کند و در صورت هدف قرارگرفتن زیرساخت‌های غیرنظامی، خطر یک بحران انرژی جهانی افزایش یابد. سناریوی دیگر، انجام یک عملیات نمادین و پرسروصدا برای اعلام پیروزی است؛ از جمله عملیات ویژه برای دستیابی به ذخایر اورانیوم یا غنی یا بالا با تلاش برای تصرف پایانه‌های نفتی جزیره خارک. نویسندگان هر دو گزینه را «بسیار پرخطر» می‌دانند و تأکید می‌کنند پراکندگی ذخایر هسته‌ای و دشواری حفظ نیروهای آمریکایی در داخل ایران، اجرای چنین عملیات‌هایی را پیچیده می‌کند. گزینه دیگر، حمایت از گروه‌های مخالف و شورشان داخل ایران است. مقاله این‌را راهبرد را نیز بره‌زنه می‌ی‌داند، زیرا در حوزه اقتصاد، مقاله از احتمال تشدید فشار حداکثری علیه چین سخن می‌گوید؛ زیرا چین خریدار اصلی نفت ایران و یکی از مسیرهای تنفس اقتصادی تهران است. با این حال، تحریم شدید بانک‌ها، پالایشگاه‌ها و شرکت‌های چینی می‌تواند به روابط آمریکا و چین و حتی اقتصاد جهانی آسیب بزند. نویسندگان به اظهارات اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، استناد می‌کنند که نسبت به پیامدهای چنین اقدامی هشدار داده است. اعزام نیروی زمینی آمریکا به ایران نیز بررسی می‌شود. وسعت ایران، جمعیت بیش از ۹۰ میلیون نفری و ساختار نظامی و امنیتی گسترده آن، چنین جنگی را بسیار بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از جنگ‌های عراق و افغانستان می‌کنند. بنابراین مقاله این گزینه را آخرین و از کم‌احتمال‌ترین گزینه‌ها می‌داند. در نهایت، نویسندگان یک مسیر متفاوت را مطرح می‌کنند که ترامپ ممکن است پس از انتخابات دیگر نیاز انتخاباتی فوری برای حفظ موضع جنگ‌طلبانه احساس نکند و به‌جای تشدید جنگ، به دنبال محدودکردن خسارت و احیای نوعی تقاهم با ایران برود. این توافق می‌تواند شامل تضمین بازماندن تنگه هرمز و برخی محدودیت‌های هسته‌ای ایران باشد. ترامپ در این مسیر احتمالا با مخالفت جریان‌های جنگ‌طلب و اسرائیل روبرو خواهد شد، اما ممکن است حاضر شود این انتقادات را تحمل و توافق را به عنوان

ساعت پنهان تنش

پیروزی معرفی‌ کند. جمع‌بندی نویسنندگان این است که پس از انتخابات میان‌دوره‌ای، احتمال تشدید درگیری وجود دارد، اما هیچ «راحل جادویی» برای وادارکردن ایران به تغییر رفتار وجود ندارد. همه گزینه‌های اصلی، از حمله نظامی و عملیات ویژه تا تحریم چین و جنگ زمینی، هزینه‌های قابل توجه و نتایج نامطمئنی دارند. از دید مقاله، در نهایت ممکن است ترامپ به‌جای دو برابرکردن فشار و گرفتارشدن در یک جنگ طولانی، به دنبال راهی برای کاهش تنش و خروج از بحران باشد؛ هرچند حتی این مسیر نیز مستلزم امتیازدهی و پذیرش ریسک‌های سیاسی خواهد بود.

«سندروم هرمز» و آشکارشدن محدودیت قدرت آمریکا در کنار آنچه گفته شد، میدل‌آیست‌ای هم طی تحلیلی، جنگ کنونی آمریکا و اسرائیل با ایران را از منظر محدودیت‌های قدرت نظامی آمریکا با جنگ ویتنام و جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ مقایسه می‌کند. به نوشته این رسانه، واشینگتن پس از پیروزی در جنگ ۱۹۹۱ تصور کرد «سندروم ویتنام» در قالب تردید نسبت به کارآمدی و فایده سیاسی قدرت نظامی را پشت سر گذاشته شده است؛ اما تجربه افغانستان و عراق نشان داد برتری نظامی الزاما به توانایی تعیین نتایج سیاسی منجر نمی‌شود. در ادامه این تحلیل آمده در جنگ ویتنام، آمریکا با وجود برتری عظیم نظامی نتوانست هانوی را به پذیرش توافق مطلوب خود وادار کند. در مقابل، پیروزی سریع ائتلاف به رهبری آمریکا در جنگ خلیج فارس، اعتماد واشینگتن به قابلیت تبدیل قدرت نظامی به دستاورد سیاسی را تقویت کرد. با این حال، اشغال افغانستان و عراق بار دیگر فاصله میان پیروزی نظامی و نتیجه سیاسی را آشکار کرد و هم‌زمان، قدرت‌های رقیب و میانه نیز در دهه‌های اخیر وزن بیشتری یافته‌اند. در بخش دیگری از تحلیل، بحران غزه به عنوان عاملی برای فرسایش اعتبار و مشروعیت بین‌المللی واشینگتن مطرح می‌شود. نویسنده مدعی است حمایت مستمر آمریکا از اسرائیل، در بخش‌هایی از جنوب جهانی این برداشت را تقویت کرده که «نظم مبتنی بر قواعد» در قبال رقبای متحدان آمریکا به شکل یکسان اعمال نمی‌شود. میدل‌آیست‌ای سپس به جنگ ایران می‌پردازد و استدلال می‌کند با وجود برتری آشکار نظامی آمریکا و حجم گسترده حملات، واشینگتن نتوانسته تهران را به پذیرش شروط خود وادار کند. محور اصلی این وضعیت، از نگاه نویسنده، تنگه هرمز است؛ گذرگاهی که بخش درخور توجهی از تجارت جهانی نفت و LNG از آن عبور می‌کند و کاهش شدید تردد کشتی‌ها، آمریکا را با بحرانی درباری مواجه کرده است. به باور نویسنده، ایران برای ایجاد چنین فشاری نیازی به شکست مستقیم نیروی دریایی یا هوایی آمریکا ندارد، بلکه موقعیت جغرافیایی هرمز به تهران امکان می‌دهد هزینه‌های اقتصادی و امنیتی قابل توجهی ایجاد کند. در پایان، تحلیل بر تغییر محاسبات کشورهای منطقه تأکید می‌کند. به نوشته میدل‌آیست‌ای، کشورهای خلیج فارس در کنار حفظ روابط امنیتی با آمریکا، بیش از گذشته به دنبال ترتیبات منطقه‌ای و ایجاد موازنه هستند. جمع‌بندی مقاله این است که قدرت نظامی آمریکا همچنان بسیار گسترده است، اما توانایی تبدیل این قدرت به نتیجه سیاسی مطلوب، مانند تجربه ویتنام، با محدودیت‌هایی روبرو شده است؛ وضعیتیه که نویسنده از آن با عنوان «سندروم هرمز» یاد می‌کند.

هادی برهانی: جنگ مجدد با ایران محتمل است، اما قطعی نیست
در شرایطی که اخبار و گزارش‌های مختلف از احتمال تشدید دوباره تنش میان ایران و اسرائیل و آمریکا حکایت دارد، پرسش درباره وقوع جنگی تازه و نقش دو انتخابات پیش‌رو، یعنی انتخابات کنست اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، بیش از گذشته اهمیت یافته است. هادی برهانی در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند: «اگرچه وقوع جنگ مجدد با ایران را نمی‌توان منتفی دانست، دلیلی برای قطعی دانستن آن یا حتی ارزیابی احتمال آن در سطح بالا وجود ندارد». تحلیلگر ارشد مسائل اسرائیل، نقطه عزیمت تحلیل خود را در تجربه جنگ قبلی می‌داند. به باور او، حملات آمریکا و اسرائیل اگرچه خسارت‌های درخور توجهی به ایران وارد کرد، به اهدافی که طراحان این حملات دنبال می‌کردند، دست نیافت. همین مسئله، به زعم این مدرس دانشگاه، موجب شکل‌گیری انتقادهایی جدی در داخل آمریکا و اسرائیل شده است. بنابراین او معتقد است بخش قابل توجهی از افکار عمومی اسرائیل نیز از نتایج حملات رضایت ندارد و همین امر، محاسبات سیاسی دولت بنیامین نتانیاهو را پیچیده کرده است. از نگاه برهانی، در شرایط کنونی، فشار اقتصادی و محاصره اقتصادی بر ایران برای طرف مقابل جذاب‌تر از ورود دوباره به یک جنگ تمام‌عبار است. با این تحلیل و به گفته کارشناس تحولات غرب آسیا، روند فشار اقتصادی همچنان ادامه دارد و به همین دلیل نمی‌توان فرض کرد گزینه نظامی الزاما گزینه نخست اسرائیل و آمریکا باشد. اما در میان دو انتخابات پیش‌رو، برهانی اهمیت ویژه‌ای برای انتخابات کنست قائل است و یادآور می‌شود: انتخابات اسرائیل در ۲۷ تیر برگزار خواهد شد و وضعیت نتانیاهو در نظرسنجی‌ها مطلوب نیست. در این چارچوب، پرونده ایران یکی از عوامل مهم در کارنامه سیاسی نخست‌وزیر اسرائیل خواهد بود. پس از دید تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل، اگر نتانیاهو تا زمان

انتخابات نتواند دستاورد تازه‌ای در پرونده ایران ارائه کند یا آنچه را «پیروزی» می‌داند به افکار عمومی اسرائیل نشان دهد، حفظ موقعیت سیاسی برای او دشوارتر خواهد شد. در روزهای اخیر، دو حادثه «فلای دبی» و «پایگاه فریفرود» نیز در برخی محافل به ایران نسبت داده شده است که برهانی تأکید دارد تلاش‌هایی برای مرتبط‌کردن این حوادث با ایران وجود دارد و اسرائیل از چنین روایتی منتفع می‌شود؛ زیرا می‌تواند تهران را نه‌فقط تهدیدی علیه اسرائیل، بلکه خطری برای اروپا و کشورهای غربی معرفی کند. با این حال، این استاد روابط بین‌الملل تصریح می‌کند از منظر اسناد و مدارک، دلایلی جدی برای نسبت‌دادن این حوادث به ایران ارائه نشده است. البته به اذعان او، اظهارات افراطی و نسنجیده برخی افراد در ایران می‌تواند در آینده به عنوان مستمسکی برای چنین اتهاماتی مورد استفاده قرار گیرد، اما این به معنای وجود سندی معتبر درباره نقش رسمی ایران در این حوادث نیست. برهانی همچنین درباره سفر اخیر نتانیاهو به امارات متحده عربی، دو انگیزه را برجسته می‌کند؛ نخست، تلاش برای مدیریت فشارهای سیاسی درباره روایت مربوط به هشدارهای پیش از حمله هفتم اکتبر و دوم، همکاری امنیتی میان اسرائیل و امارات در برابر تهدیدات احتمالی ایران. به باور این کارشناس ارشد خاورمیانه، هر دو طرف (امارات و اسرائیل) در گذشته هدف حملات ایران قرار گرفته‌اند و احتمال می‌دهند در صورت تشدید تنش، بار دیگر در معرض چنین حملاتی باشند. اما مهم‌ترین بخش تحلیل برهانی به رابطه نتانیاهو و ترامپ بازمی‌گردد که در این باره معتقد است روابط این دو پس از جنگ با ایران تغییر کرده و ترامپ از نتانیاهو ناراضی است؛ زیرا به گفته او، تصویری که اسرائیل پیش از حمله از شرایط ایران و پیامدهای احتمالی جنگ ارائه کرده بود، با واقعیت پس از حملات تطابق نداشت. در نتیجه، برهانی می‌گوید: وعده فروپاشی سریع نظام ایران و تبدیل جنگ به یک پیروزی بزرگ برای ترامپ محقق نشد و رئیس‌جمهور آمریکا اکنون با پیامدهای تصمیمی مواجه است که خروج از آن ساده نیست. با این حال، برهانی تأکید می‌کند کاهش نفوذ نتانیاهو بر ترامپ، به معنای از بین رفتن آن نیست. به تعبیر او، لابی اسرائیل در آمریکا همچنان حضور و ظرفیت اثرگذاری دارد؛ هرچند در مقایسه با سال‌های گذشته تضعیف شده است. از همین رو، معادله جنگ احتمالی را نمی‌توان صرفا با اراده یک فرد یا یک انتخابات توضیح داد، بلکه باید آن را حاصل درهم‌گش فشارهای سیاسی، امنیتی و انتخاباتی در واشینگتن و تل‌آویو دانست. جمع‌بندی برهانی این است که جنگ مجدد با ایران همچنان یک احتمال است؛ اما تبدیل این احتمال به امر قطعی، بدون توجه به تجربه جنگ قبلی و محدودیت‌های سیاسی و راهبردی آن، با واقعیت‌های موجود سازگار نیست.

کوروش احمدی: دیپلمات در سازمان ملل: جنگ تمام‌عبار دیگری علیه ایران در این شرایط محتمل نیست

هم‌زمانی دو انتخابات، یکی انتخابات کنست در اسرائیل و دیگری انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، بار دیگر بحث درباره احتمال ازسرگیری جنگ علیه ایران را به صدر گمانه‌زنی‌های سیاسی در جهان آورده است. در این میان، برخی تحلیلی‌ها از نیاز سیاسی بنیامین نتانیاهو و تأثیر آن بر محاسبات امنیتی اسرائیل سخن می‌گویند و برخی دیگر، چشم‌انداز تصمیم‌گیری در واشینگتن را تعیین‌کننده‌تر می‌دانند. اما کوروش احمدی، در ارزیابی خود اساسا روانه کافی برای احتمال بالای یک جنگ فراگیر جدید علیه ایران نمی‌بیند. دیپلمات پیشین کشورمان معتقد است برای اینکه دولت دونالد ترامد بار دیگر وارد یک جنگ تمام‌عبار با ایران شود، باید هدفی روشن و قابل دستیابی برای او وجود داشته باشد؛ حال آنکه تجربه جنگ پیشین به او نشان داده است حملات هوایی و موشکی، حتی در مقیاس گسترده، لزوما به فروپاشی ساختار سیاسی ایران منجر نخواهد شد. از نگاه احمدی، یکی از مهم‌ترین خطاهای محاسباتی آمریکا و اسرائیل در جنگ ۲۰۰۳، تصور کوتاه‌مدت بودن جنگ و امکان تغییر سریع معادلات سیاسی در ایران بود. به گفته این تحلیلگر مسائل بین‌الملل، تصویری که پیش از جنگ از سوی اسرائیل و موساد برای ترامپ ترسیم شد، بر این فرض استوار بود که با غافلگیری، واردکردن شوک و هدف قراردادن فرماندهان و رهبران سیاسی و نظامی، می‌توان ساختار سیاسی ایران را در مدت کوتاهی دچار فروپاشی کرد؛ بنابراین، جنگی طولانی با عملیات زمینی در کار نخواهد بود. اما تحولات بعدی خلاف این برآورد را نشان داد. ساختار سیاسی ایران پابرجا ماند، توانایی خود برای پاسخ متقابل را نشان داد و جنگ، برخلاف برآوردهای اولیه به غایت اشتباه، استعداد این را داشت که به جنگی فرسایشی و طولانی تبدیل شود. به تعبیر دیپلمات اسبق کشورمان، همین تجربه برای محاسبات کنونی واشینگتن اهمیت زیادی دارد. با این برداشت است که احمدی می‌گوید: ترامپ که پیش‌تر نیز با فشار پرهیز از «جنگ‌های بی‌پایان» و انتقاد از مداخلات نظامی رؤسای جمهوری پیشین آمریکا در خارج از کشور وارد عرصه سیاسی شده بود، اکنون یک بار تجربه جنگ با ایران را پشت سر گذاشته و نتوانسته‌ای آن را دیده است. از این منظر، تکرار همین مسیر بدون آنکه هدفی متفاوت و قابل تحقق وجود داشته باشد، برای او بی‌معنی خواهد بود.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

عملیات تروریستی مسلحانه در جنوب سیستان وبلوچستان

قصد اجرای عملیات تروریستی در منطقه را دارد؛ موضوعی که در نهایت به ورود نیروهای قراگاه قدس به مرحله عملیاتی منجر شد. در جریان درگیری‌های رخ‌داده، شش نفر از اعضای این گروهک تروریستی تکفیری به هلاکت رسیدند و نیروهای عملیاتی موفق شدند تعدادی بسته انفجاری را نیز از این افراد کشف و ضبط کنند. بر پایه اعلام روابطعمومی قراگاه قدس، با وجود پایان درگیری، عملیات نیروهای امنیتی در منطقه خاتمه نیافته و عملیات پاکسازی برای اطمینان از رفع کامل تهدید و بررسی دقیق منطقه همچنان ادامه دارد. آنچه تاکنون از این حادثه اعلام شده، نشان می‌دهد گزارش مردمی و اشراف اطلاعاتی ایجادشده بیش از عملیات، نقطه آغاز شناسایی این تیم بوده است؛ تیمی که به گفته قراگاه قدس، قصد اجرای عملیات تروریستی داشت، اما پیش از آنکه اقدام خود را عملیاتی کند، شناسایی و مورد ضربه قرار گرفت. به گزارش ایرنا از پایگاه اطلاع‌رسانی سپاه، قراگاه قدس نیروی زمینی سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد صبح روز پنجشنبه، بر اساس گزارش مردمی رسیده و پس از ایجاد اشراف اطلاعاتی دقیق، یک تیم تروریستی که قصد اجرای عملیات تروریستی در منطقه را داشت، شناسایی و مورد ضربه قرار گرفت. در ادامه این اطلاعیه آمده است: در این درگیری که در منطقه منزل‌آباد زاهدان با گروهک تروریستی رخ داد، شش نفر از اعضای این گروهک تروریستی تکفیری به هلاکت رسیدند و تعدادی بسته انفجاری نیز از آنها کشف و ضبط شد.

گزارش

«یک‌گام به پس، دوگام به پیش» برای نجات تفاهم‌نامه

به هر حال، علی‌رغم دو جنگ بسیار سخت و ظالمانه‌ای که بر ما گذشت، این دولت موفق شد یکی از کم‌نظیرترین اسناد تاریخ دیپلماسی، حداقل بعد از انقلاب را به امضای دو رئیس‌جمهور برساند.

تفاهم‌نامه اسلام‌آباد مبتنی بر منافع ملی تنظیم شده است

او در ادامه، با بیان اینکه بسیاری از صاحب‌نظران خارجی و داخلی معتقدند این تفاهم‌نامه اساسا مبتنی بر منافع ملی ایران تنظیم شده است، افزود: شاید به همین دلیل، اسرائیلی‌ها و بعدها خود آمریکایی‌ها تلاش کردند زیر این تفاهم‌نامه بزنند. این فعال سیاسی با اشاره به مباحث مطرح‌شده در این جلسه گفت: بحث این بود که این تفاهم‌نامه هم حاصل تلاش ما در عرصه دیپلماسی بوده، هم حاصل مقاومت، ایستادگی و تاب‌آوری مردم ما بوده و هم حاصل تلاش‌ها و جانفشانی‌های رزمندگان ما بوده است، حاصل جمع این مجموعه، دشمن ما را متقاعد کرد این تفاهم‌نامه را امضا کند. حالا بحث این است که این فرصت را چگونه می‌توانیم حفظ کنیم و چگونه می‌توانیم بر این اساس عمل کنیم.

جمع نسبتا درخور توجهی در دیدار با رئیس‌جمهور شرکت کردند

ظریفیان با اشاره به حضور جمع نسبتا درخور توجهی از فعالان سیاسی در این جلسه گفت: جمع نسبتا درخور توجهی حضور پیدا کرده بودند و عمدتا فرصت زیادی وجود نداشت که همه عزیزی‌ان شرکت کرده بودند، گفت‌وگو کنند. بیشتر کسانی که توانایی و تبحر داشتند و در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی کار کرده بودند، صحبت کردند.

بحث کردیم چگونه از فرصت‌ها حداکثر استفاده را ببریم

او افزود: محور بحث هم همین بود که هرکدام از عزیزیانی که صحبت کردند، از یک زاویه به وضعیتی که ما اکنون در نظام بین‌المللی داریم و تلاش‌هایی که به هر حال آمریکا، اسرائیل و سایر دشمنان ایران می‌کنند تا ما را به سمت گوشه‌ای ببرند و برای ما انزوا ایجاد کنند، پرداختند و اینکه چگونه از فرصت‌های خودمان حداکثر استفاده را کنیم. این فعال سیاسی تصریح کرد: این نشست معطوف به تفاهم‌نامه بود و بحث بسیار خوبی شکل گرفت. حتی به نظر من، راهکارها و راهبردهای خوبی از سوی کسانی که صحبت کردند ارائه شد.

رئیس‌جمهور تأکید کرد فقط دولت نمی‌تواند این بار سنگین را به دوش بکشد

او با اشاره به محور اصلی سخنان رئیس‌جمهور در این نشست، گفت: بحث اصلی رئیس‌جمهور نیز این بود که این بار سنگین را باید با یک نوع انسجام و تقالمت ملی یکشیم و فقط دولت نمی‌تواند این بار سنگین را به دوش بکشد. نیازمند انسجام داخلی و نیازمند درک صحیح از شرایط خطیر هستیم. این فعال سیاسی ادامه داد: در عین حال، رئیس‌جمهور به برخی از تنگناها و مشکلاتی که بیشتر در بحث معیشت مردم وجود دارد و بحث تنگناهایی که در کشور هست، اشاره کردند. همچنین رئیس‌جمهور اشاره کردند در یک جاهایی، برخی جریان‌های اقلیت چگونه زبان پرصدایی دارند، در حالی که اکثریت جامعه و به‌ویژه نخبگان، صدایشان کمتر طنین دارد. این فعال سیاسی در پایان گفت: باید این طنین و این صدای انسجام و استفاده حداکثری از فرصت‌ها را سازماندهی کرد تا این صدا، صدای حل مسائل کشور و در نهایت صدای انجام ملی باشد. بر اساس این گزارش، در این نشست مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، با بیان اینکه اساس و پایه اصلاح‌طلبی، انعطاف‌پذیری در خود است نه طرف مقابل، تأکید کرد.

بیان مزایا و دستاوردهای مذاکرات، نشانه آن نیست که ما در مقابل دشمنان سر خم می‌کنیم، بلکه نمودی از شفاف‌سازی است. نکته قابل توجه در روند گفت‌وگوهای اجتماعی، پرهیز از دعوا، ایجاد اختلاف و شکاف اجتماعی است.